

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 2, Spring 2022, 155-177
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.39379.2458

**A Structural Critique and Analysis of
The Sadegha-ye- Tabrizi's Monshaat and
the Study of the Insight and Method of the Scribe
(11th century AH)**

Reza Shah Maleki*

Houshang Khosrow Beigi, Jamshid Noroozi*****

Abstract

This research has made an effort to criticize the collection of Monshaat related to the 10th century AH written by Mirza Mohammad Sadegh Nazem Tabrizi (Sadegha-ye-Tabrizi) and to scrutinize the writer's features, shortcomings, the importance of the manuscript, insight and method in a meaningful framework. The theme of the above version includes such concepts as royal decrees, court documents, an announcement of a victory, Monshaat and friendly correspondences from the Seljuk period to the early Safavid period that has not still been criticized and published and can in turn help to understand missing links in the political and social history of Iran and some of its neighbors. Relying on the manuscript of Tabrizi's Monshaat and an analytical approach along with qualitative content analysis, this study indicates that the writer was influenced by the political atmosphere of the Safavid period in compiling and arranging the Monshaat. Since the Safavid's ideal is explained to establish a national state on the basis of official religion and political boundaries, the writer has written

* PhD Student in History of Iran in the Islamic period, department of Payame Noor University, (pnu), p.o.box 19395-4697, Tehran, Iran, (Corresponding Author) Shahmalaki@gmail.com

** Associate Professor, Department of History, Payame Noor University, (pnu), p.o.box 19395-4697, Tehran, Iran, khosrobeigi.hooshang@gmail.com

*** Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, Al-Zahra University, Tehran, Iran, J.noroozi@alzahra.ac.ir

Date received: 12-12-2021, Date of acceptance: 05-04-2022



documents that are linked to the geography which the Safavids sought to achieve in drawing their territorial model.

Keywords: Monshaat, Structural Criticism, Manuscript, Historical Evidences, Safavid's Ideal.

نقد و تحلیل ساختاری نسخه خطی منشآت صادقای تبریزی و بررسی بینش و روش کاتب (قرن ۱۱ق)

رضا شاه‌ملکی*

هوشنگ خسرو بیگی**، جمشید نوروزی***

چکیده

این پژوهش کوشش خویش را بر آن گمارده است تا از طریق دانش تصحیح و نقد این مجموعه منشآت مربوط به قرن دهم هجری قمری به‌کتابت میرزا محمدصادق ناظم تبریزی (صادقای تبریزی) را مورد بررسی قرار دهد و ویژگی‌ها، کاستی‌ها، اهمیت اسناد نسخه، و بینش و روش کاتب را در چهارچوب الگویی معنادار نقد کند. درون‌مایه نسخه فوق شامل مضامینی چون فرمان‌های پادشاهان، اسناد دیوانی، فتح‌نامه‌ها، و منشآت، و اخوانیات از روزگار سلجوقی تا اوایل صفوی است که تاکنون مورد نقد و انتشار قرار نگرفته‌اند و می‌تواند در جای خود به فهم حلقه‌های مفقودی از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و برخی همسایگان یاری رساند. این بررسی، با اتکا بر نسخه خطی این اثر و با رویکرد تحلیلی، هم‌راه با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است و نشان می‌دهد که نویسنده در تدوین و چینش منشآت تحت‌تأثیر فضای سیاسی دوره صفویه قرار داشته است. از آن‌جاکه آرمان صفویه ایجاد دولتی ملی برپایه مذهب رسمی و مرزهای سیاسی تبیین می‌شود، کاتب نسخه

* دانشجوی دکتری، تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ص.پ. ۱۹۳۹۵-۴۶۹۷،

تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Shahmalaki@gmail.com

** دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، ص.پ. ۱۹۳۹۵-۴۶۹۷، تهران، ایران

khosrobeigi.hooshang@gmail.com

*** دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، J.noroozi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶



به کتابت اسنادی دست‌یازیده که در پیوند با جغرافیایی است که صفویان در ترسیم الگوی سرزمینی خود به دنبال تحقق آن بودند.

کلیدواژه‌ها: منشآت، نقد ساختاری، نسخه خطی، اسناد تاریخی، آرمان صفویه.

۱. مقدمه

۱.۱ طرح مسئله

بررسی انتقادی نسخ خطی ارزش‌مند در حوزه تاریخ به بازنویسی تاریخ ایران و روشن کردن خط‌سیرهای متعدد و مغفول‌مانده جریان تاریخ در ایران بسیار یاری خواهد رساند. در این میان، بررسی انتقادی نسخ به‌جای‌مانده از دوران سلجوقی تا صفویان از اهمیتی ویژه برخوردار است، چراکه این بازه زمانی از منظر هویت و اجتماع ایرانی از دوره‌های بااهمیت تاریخ ایران به‌شمار می‌رود و ازسویی، نهاد دیوان از مؤلفه‌های تداوم هویت ایرانی شناخته می‌شود که خود با مؤلفه‌هایی هم‌چون خرد، ارزش‌های اخلاقی، دین‌داری، دادگری، و... در پیوند بوده و آن‌ها را در طول تاریخ بنابر شرایط حاکم سیاسی - اجتماعی به‌کار گرفته است (جهان‌شاهی افشار و رحیمی صادق ۱۳۹۳: ۱۴). به‌طور مشخص و در دوره صفویه، نسخ بسیاری برای مجموعه‌های شخصی مقامات و نیز کتاب‌خانه‌های سلطنتی به‌رشته تحریر درآمد. در ابتدای قرن یازدهم قمری و در دوره حکومت شاه‌عباس اول، نسخه‌پردازی دوباره رونق یافت و در کتاب‌خانه‌های این دوره کاتبان با رویکرد گردآوری، بررسی، و کتابت اسناد تاریخی روزگار پیشین بنابر مقاصد متفاوت جایگاهی برجسته یافتند. در تأکید بر همین ادعا، توجه به این موضوع که افراد بسیاری به‌عنوان صحاف، نسخه‌بردار، بسمه‌چی، مذهب، و... زیر نظر کتاب‌دارباشی دربار به کار در این زمینه مشغول بودند راه‌گشاست. فریبا افکاری (۱۳۸۶: ۹) در مقاله‌ای موجز به‌خوبی این موارد را از خلال پرداختن به نسخه‌ای خطی از مؤلفی ناشناخته تحت عنوان *دانش‌نامه فارسی* نمایانده است.

از آن‌جاکه در حوزه تحلیل و بررسی منشآت، دیوان، و کاتبان عصر صفوی هم‌چنان با اثری جامع و همه‌سویه روبه‌رو نیستیم که به‌دست مؤلفی ایرانی نگاشته شده باشد

(صفت گل ۱۳۸۶: ۵)، نقد و بررسی و تحلیل ساختاری منشآت صادقای تبریزی به این دست پژوهش‌ها یاری می‌رساند.

بررسی نظم ساختاری و نگارشی نسخه، فهم الگوی ذهنی، انگیزه و اهداف کاتب، و هم‌چنین علت تمرکز وی بر گردآوری اسنادی از دوره سلجوقی تا صفوی در تدوین مجموعه منشآت حاضر از پرسش‌های مهم این مقاله و نقد اثر است.

۲.۱ نظری بر پیشینه

تدوین، گردآوری، و نگاشتن منشآت فارسی پیشینه‌ای به‌درازای سنت دیوان‌سالاری ایرانی دارد. نخستین نمونه شناخته‌شده را می‌توان به دوره غزنوی و کوشش‌های ابوالفضل بیهقی پیوند داد (عارفی ۱۳۹۴). در روزگار معاصر، تلاش‌های جدی درخصوص نقد و بررسی نسخ خطی عمر درازی ندارند (برای آگاهی از این روند، بنگرید به مجرد ۱۳۹۶: ۱۵۷) و «شاید عمر آن به پنجاه سال هم نرسد» (ثروت ۱۳۹۶: ۳). برای اشاره‌ای روشن‌گر، سلسله‌مقالاتی از محمدتقی دانش‌پژوه در زمینه دبیری و نویسندگی در مجله هنر و مردم منتشر شده است که اطلاعاتی ارزشمند در حوزه شناخت مجموعه‌های منشآت و شیوه نگارش آن‌ها به‌قلم دبیران و کاتبان دارد و البته درین فهرست مآخذ این مجموعه از نسخه مدنظر در این پژوهش نامی آورده نشده است (بنگرید به دانش‌پژوه ۱۳۵۱: ۴۸-۵۶). دانش‌پژوه در جای دیگر به مجموعه منشآت حاضر اشاره‌ای دارد و آن را صورتی از مجمع‌الانشاء، تألیف حیدریگ ایواوغلی، می‌داند (غفاری‌فرد ۱۳۸۱: ۳۰). با بررسی تطبیقی هر دو اثر روشن شد که نظر دانش‌پژوه در مشابهت و یکی‌بودن هر دو نسخه صحیح نیست^۱ و باوجود تکرار برخی اسناد در هر دو نسخه مجموعه منشآت حاضر نمی‌تواند به‌هیچ‌وجه نسخه بدل یا صورتی از مجمع‌الانشاء باشد. حتی این گمان می‌رفت که در بخشی که مجمع‌الانشاء و نسخه حاضر به کتابت اسناد و فرمان‌های دوره سلجوقی تا اواخر تیموری پرداخته‌اند، با توجه به هم‌زمانی تقریبی روزگار حیات صادقای تبریزی کاتب نسخه حاضر و ایواوغلی، کاتب مجمع‌الانشاء، هر دو از مآخذ یک‌سان استفاده کرده باشند و به همین سیاق همانندی فراوان بین اسناد دیده شود. با تطبیق محتوای نسخ، این نتیجه حاصل شد که چنین نیست و بسیاری از فرمان‌ها و اسناد هر دو نسخه در دیگری نیامده است. بر همین اساس، مجموعه منشآت حاضر تاکنون مورد نقد و بررسی قرار نگرفته و ارزش‌ها و کاستی‌های آن نمایانده نشده است.

۲. معرفی کلی اثر

۱.۲ درباره کاتب: خواجه محمدصادق ناظم تبریزی

خواجه محمدصادق ناظم تبریزی، معروف به صادقا (صادقای تبریزی)، کاتب این مجموعه منشآت، شاعر، تذکره‌نویس، خوش‌نویس، و کاتب ایرانی سده یازدهم هجری در شبه‌قاره هند و دربار صفوی و اهل تبریز و ساکن عباس‌آباد اصفهان بوده است و اهل تاریخ و ادبیات او را بیش‌تر با تذکره ناظم می‌شناسند (ناظم تبریزی ۱۳۸۵: ۶).

تاریخ دقیقی برای تولد او نمی‌توان در نظر گرفت، اما بررسی‌ها دلالت بر تولد وی در تبریز و در خاندانی اهل فضل در حدود سال ۹۷۲ق دارد. صادقای تبریزی، که در دربار شاه‌عباس جایگاهی ممتاز داشت، در حدود دهه سوم قرن یازدهم هجری راهی هندوستان شد و پس از چندی اقامت در گجرات به دربار ابراهیم عادل‌شاه ثانی (حک ۹۸۸-۱۰۳۵) در دکن وارد شد و قصیده‌ای نیز در مدح وی سرود (نصرآبادی ۱۳۷۸: ۴۵).

صادقا از کاتبان و خوش‌نویسان دربار شاه‌عباس صفوی به حساب می‌آمد و مانند بسیاری دیگر از کاتبان و دبیران تاریخ دیوانی ایران در روزگار اسلامی، ضمن آشنایی با فن دبیری، انشا، و نویسندگی، به گردآوری اسناد و مکاتبات و منشآت دیوانی دوره‌های مختلف تاریخی تا روزگار معاصر خود (از روزگار سلجوقی تا صفوی) پرداخته است. از او، افزون‌بر کتابت این مجموعه منشآت، تذکره‌ای با عنوان نظم‌گزیده، دیوانی مشتمل بر شش هزار بیت از غزلیات، رباعیات، قصاید، و یک مثنوی با عنوان «فیروز و شهناز» نیز به‌جای مانده است (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به یلمه‌ها ۱۳۹۲).

۲.۲ ویژگی‌های نسخه

نسخه‌ای که در این پژوهش موردبررسی و نقد قرار خواهد گرفت در ۴۹۳ برگ و به‌خط نستعلیق خوش‌به‌طور کلی شامل ۱۷۴ سند و مراسله از فرمان‌ها، منشآت، اخوانیات، سلطانیات، تهنیت‌نامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، منشور، مثال، عذرنامه، فریادنامه، عهدنامه، ذکر اصناف و مشاغل، و نوشته‌جات متفرقه دیگر است که از لحاظ شناخت بهتر تاریخ اجتماعی و فرهنگی مهم‌اند^۲ که البته در بخش «نوشته‌جات متفرقه» در انتهای نسخه افتادگی و نواقصی به‌چشم می‌خورد. هم‌چنین، نسخه در بخش «ذکر اصناف و حرف و مشاغل» نیز نیمه‌کاره مانده یا دچار قصور در کتابت یا افتادگی و آسیب شده است. دربین مکتوبات، اسناد

دیوانی، فرمان‌های حکومتی، و منشآت مهمی از شخصیت‌هایی هم‌چون آلبارسلان سلجوقی، خواجه نظام‌الملک طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، امیر تیمور، شاه‌رخ تیموری، سلاطین ترکمان، شاه‌اسماعیل اول، شاه‌طهماسب، شاه‌عباس اول، و... در این نسخه گردآوری شده است و بسیاری از آن‌ها با روابط سیاسی با دولت‌های دیگر هم‌چون سلاطین هند، حکومت عثمانی، ازبک‌ها، و... در پیوندند که جنبه‌های مختلفی از ستیزه‌ها و دوستی‌ها، روابط سیاسی و مذهبی، و کش‌مکش‌های دینی و فرقه‌ای در تاریخ ایران را روشن می‌سازند. کاتب دو نسخه از این منشآت را به‌رشته تحریر درآورده که در هر دو نسخه اسناد کاملاً مشابهی موجود است. متأسفانه، به دیگر نسخه که با نام «مجموعه» و در کتاب‌خانه ملک تهران با کد ۶۳۲۳ نگه‌داری می‌شود صدمات فیزیکی بسیاری وارد آمده است و بخش عمده مطالب آن از میان رفته و همین امر استنساخ، نقد، و بررسی محتوای آن را ناممکن کرده است، اما با توجه به تطبیق دقیق هر دو نسخه و بخش‌هایی از نسخه ملک که سالم مانده است، می‌توان مدعی شد که هر دو نسخه هیچ تفاوتی باهم ندارند و به‌احتمال زیاد کاتب دو نسخه یک‌سان را برای دو شخص متفاوت نوشته است. نسخه‌ای که در این پژوهش در دست بررسی است،^۳ چنان‌که از حاشیه‌نویسی برگ ۱۱۹ نسخه نیز پیداست، به‌خامه صادقای تبریزی در ۱۰۰۹ق کتابت شده است. این نکته از جنبه دیگری نیز درخور اهمیت و توجه است؛ در یکی از اسناد با عنوان *سواد دو مکتوب به پسران ملا عبدالرزاق لاهیجی* (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۲۴۰) سال‌شماری تواریخی آمده است که پس از تاریخ تعیین‌شده برای کتابت نسخه آمده‌اند و این گمان را تقویت می‌کند که اسنادی چند در حدود سال‌های ۱۰۶۰ تا ۱۱۲۱ق توسط کاتب دیگری به مجموعه افزوده شده است.

در سراسر نسخه، نام کاتب در هیچ برگی و سندی نیامده و البته افتادگی‌های نسخه را نیز در این کاستی باید در نظر داشت. کاتب خوش‌نویس این نسخه تنها در یکی از مکاتبات در بخش تهنیت‌نامجات اشاره‌ای موجز به نام خویش دارد.^۴ در صحت انتساب نسخه به صادقای تبریزی باید گفت این امر در طی مراجعه به دیگر فهراس مؤلفان و گنجینه‌های اسناد و نیز در مقالات بزرگان تصحیح، دبیری، و نویسندگی پیداست که به برخی از آن‌ها در همین مقدمه نیز اشاره رفته است؛ از جمله می‌توان نمونه آسیب‌دیده همین نسخه در کتاب‌خانه ملک را مثال زد که ذکر و تفصیل آن در همین مقدمه آورده شده است.

آن‌طور که در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) آمده است (بنگرید به درایتی ۱۳۹۰: ۳۱) و نیز برپایه خط تملیک نسخه (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۳)، این مجموعه تا

سال ۱۲۹۸ق در کتاب‌خانه محمدحسن خان صنایع‌الدوله بوده و سپس نسخه را حاج مهدی‌قلی خان مخبرالسلطنه به دکتر قاسم غنی در ۱۲ آبان ۱۳۲۳ اهدا کرده است. از نام مؤلف و کاتب بر جلد یا پشت جلد یا در لابه‌لای برگ‌های نسخه اثری نیست. هم‌چنین، نسخه عنوان تألیف ندارد.

۳.۲ قلمرو موضوعی اسناد

قلمرو موضوعی این مجموعه در خصوص تاریخ ایران و در بازه زمانی سده پنجم تا یازدهم هجری قمری است. برطبق توالی تاریخی اسناد، نخستین مکتوب نسخه منشوری از آلبارسلان سلجوقی است که تعیین حدود زمان تاریخی آن ۴۵۵-۶۶۴ق تخمین زده می‌شود و آخرین مکتوب تاریخی این مجموعه نامه‌ای است از ملا عبدالواسع منشی (د ۹۱۹ق)، از منشیان روزگار صفوی، که می‌توان زمان حدودی کتابت سند توسط کاتب را تا ۱۰۷۰ق (اوایل قرن یازدهم هجری) به پیش برد.

۳. تحلیل ساختار، نقد شکلی، و ابعاد اثر

باتوجه به تفاوت خط کتابت در برخی از اسناد (برای نمونه، بنگرید به ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۱۹۴) پیداست که نگارش نسخه توسط کاتب‌های مختلف (احتمال زیاد دو تا سه کاتب) انجام شده است، اما عمده نگارش برعهده کاتب اصلی، یعنی همانا صادقای تبریزی، است که بیش‌تر حجم نسخه را به خط خویش کتابت کرده است.

در این نسخه، از اشعار فارسی و عربی بسیاری استفاده شده است. صادقای تبریزی که فردی باسواد و آگاه به موازین ادبیات بوده، گاه اشعاری را آورده است که سراینده از شعرای شناخته‌شده یا حتی کم‌ترشناخته‌شده نیست و چون خود او طبع شعر داشته و مثنوی نیز سروده و تخلص «ناظم» داشته است، ای‌بسا شعر از خود او باشد. این مهم در بخش انتهایی نسخه، که به ذکر اصناف و مشاغل اختصاص دارد و در قالب شهرآشوب‌نویسی (اصنافیه) نمود یافته است (برای آگاهی از مهم‌ترین شهرآشوب‌ها و چگونگی شهرآشوب‌نویسی در ادب فارسی، بنگرید به گلچین معانی ۱۳۸۰)، بیش‌تر دیده می‌شود (برای دیدن نمونه‌هایی از این دست اشعار، بنگرید به ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۳۹۲-۳۹۷).

درخصوص قصور در کتابت، کاتب (و به‌احتمال بسیار کاتبان) در قسمت‌هایی از نسخه کتابت متن را نیمه‌کاره رها کرده‌اند. برای مثال، در برگ‌های ۳۹۱، ۳۹۳، و جاهای دیگر، که

البته زیاد نیستند، مشاهده می‌شود که ادامه متن مکتوب تحریر نشده است. این مسئله به دو شیوه انجام گرفته است. در برخی قسمت‌ها کتابت مراسله یا مقدمه موردنظر به‌طور کلی رها شده و، پس از خالی گذاشتن صفحه، در برگ بعدی نامه و مکاتبه جدیدی آغاز می‌شود و در برخی اقسام نیز بخشی از میانه متن رها شده است، به این صورت که از متنی ده‌صفحه‌ای چهار صفحه نخست نوشته شده، چهار صفحه از میانه آن رها شده و به‌نگارش درنیامده، و درانتها دو صفحه پایانی آن را تحریر کرده‌اند. این مهم نشان‌دهنده این فرضیه است که سند یا اسنادی به‌دست کاتب نرسیده و او صفحات را خالی گذارده است تا به سند موردنظر دست یابد و در جای خویش کتابت کند، اما به هر دلیل توفیق نیافته است. همین مسئله موجب نقص موضوعی در این اثر شده است.

از شواهد دیگر برای تقویت ادعای چندکاتبه‌بودن نسخه خالی‌ماندن برخی قسمت‌ها در میانه متون مختلف نسخه است. برای نمونه، باید توجه کرد که در بسیاری از مکتوبات نسخه نظم‌های زیادی کتابت شده است. این اشعار به‌احتمال توسط کاتبی دیگر به‌نگارش درمی‌آمده است، چراکه جای برخی ابیات یا اشارات خالی مانده و نشان‌دهنده این است که کاتب در وهله نخست این متون را کتابت نکرده است. ازسویی، تفاوت دست‌خط در کتابت این‌گونه ابیات با متن مراسلات و اسناد دلیلی بر این ادعاست (بنگرید به همان: ۱۹۳).

هم‌چنین، باید اشاره کرد که این نسخه درطول تاریخ به‌احتمال یک بار ترمیم شده است. آثار آن را می‌توان در برخی برگ‌ها، به‌ویژه برگ‌هایی که حاشیه دارند، دید (بنگرید به همان: ۵۶). در بعضی از بخش‌ها، کاتبی دیگر سعی در بازنویسی قسمت از میان‌رفته داشته است و نیز برخی از برگ‌های این نسخه بر برگ‌های دیگر چسبانده شده است. برگ پایانی نسخه از این ویژگی برخوردار است، اما شیوه این کار به‌روش امروزی نیست و به روشی شباهت دارد که کاتبان دوره‌های نزدیک به صفویه از آن بهره می‌بردند. این نشانه گمان مربوط به ترمیم این نسخه درطول تاریخ (و نه تاریخی نزدیک به امروزه) را بیش‌تر به‌یقین نزدیک می‌کند.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد نسخه مدنظر این است که برخی برگ‌ها (سه تا چهار برگ) شیوه خاصی از پانویسی بر متن به‌سیاق روش‌های امروزی دارند که مواردی جالب‌توجه‌اند. برای مثال، کاتب معنی برخی کلمات را با همان جوهر اصلی متن در ذیل واژه یادداشت کرده است که کم‌تر در نسخ هم‌عصر به آن برمی‌خوریم (برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۶۱، ۲۴۴).

به‌طور کلی، با این که در مجموع فهم اراده کاتب بر ترتیب‌دادن چهارچوب موضوعی، زمانی، و مکانی خاص برای این نسخه دشوار و به شواهد و فرضیات وابسته است، در میانه رو به انتهای نسخه، ناظم تبریزی کوشش بر موضوعی نوشتن اسناد و مکاتبات کرده است. پیش‌از این، تمامی اسناد بدون توالی تاریخی و ترتیب موضوعی به‌روشی جنگ‌مانند از پی هم کتابت شده‌اند. برای مثال، در این بخش‌ها، کاتب اسناد با موضوع فتح‌نامه‌ها را از پی یک‌دیگر آورده و این کار را در مورد چند موضوع دیگر مانند آوردن برخی نامه‌ها از حکام پادوسبانی به‌صورت پیاپی نیز ادامه داده است (همان: ۳۵۳-۳۸۰). هم‌چنین، در بخشی از اثر که شامل اسنادی بی‌تاریخ است، چند مکتوب با موضوع حرف، مشاغل، و اصناف متوالی و موضوعی کتابت شده‌اند (همان: از ۳۹۲ تا پایان نسخه). برای به‌دست‌دادن مقایسه‌ای در این زمینه، می‌توان به کتاب منشآت سلیمانی اشاره کرد که مجموعه‌ی رسائلی به کتابت و تدوین دبیران دبیرخانه شاه‌سلیمان صفوی است. در این اثر، مکتوبات با تمرکز بر فن انشا، دبیری، و قواعد سخن‌وری کتابت شده‌اند و توالی و ساختار موضوعی دارند (برای این مقایسه، بنگرید به منشآت سلیمانی ۱۳۸۸).

منشآت صادق‌ای تبریزی هیچ‌گونه آرایش فنی خاصی ندارد و هیچ‌گونه تذهیب یا طرح نسخه‌پردازی در تهیه آن به‌کار نرفته است. بر همین مبنا، نمی‌توان آن را در زمره نسخ آرایه‌مند نام‌گذاری کرد (برای آگاهی بیشتر و مقایسه، بنگرید به مایل هروی ۱۳۸۰: ۲۹). در همین جهت و در پیوند با قواعد کتابت، نشان‌گذاری، و خط‌نشانی تنها قاعده به‌کاررفته رعایت تمایز بین عناوین و عبارات متن و به‌جوهر قرمز با همان خط توسط کاتب است و از آن‌جاکه برخی کاتبان قدیمی به تفکیک و جداسازی موضوعی مطالب توجهی نداشتند، در این نسخه نیز به‌سیاق بعضی از نسخ کهن فصل‌بندی و پاراگراف‌بندی رعایت نشده و در آن راه نیافته است (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید به برگشتراسر ۱۳۷۰: ۲۲۹). در رابطه با شناخت اثر، مهر یا مطلبی حاکی از تاریخ تولد یا وفات یا امضا و غیره در آغاز و انجام نسخه و هم‌چنین برگ بدرقه دیده نمی‌شود. تاریخ اتمام کتابت نیز از محتوای اسناد، حاشیه‌نویسی‌ها، یا چنان‌که معمول بوده است از «خاتمه» اثر به‌دست نمی‌آید، هرچند پیداست که این نسخه برای فردی عالی‌رتبه یا کتابخانه‌های درباری کتابت شده است. نسخه طرف اهدا یا سفارش ندارد و امضای تأیید نیز در آن پیدا نیست. از آن‌جاکه نسخه مقدمه ندارد، از سبب تألیف نیز سخنی به‌میان نیامده است و تنها باید برحسب شواهد و احتمالات نزدیک سبب تألیف را دریافت. درمقام مقایسه، می‌توان به منشآت به‌قلم

میرمحمدحسین تفرشی، کاتب دیوان رسائل در روزگار شاهعباس اول و شاهصفی، با عنوان منشآت تفرشی اشاره کرد که با هدف نگارش اخوانیات فراهم آمده است و افزون بر آن شرح حال و روزگار شخص کاتب نیز در خلال مسودات بیان شده است (بنگرید به بهرام‌نژاد ۱۳۸۶: ۹۳).

کاغذ نسخه از نوع کاغذ سپاهانی با جلد تیماج سبز ضربی است. ابعاد و اندازه نسخه «۲۵۲ گ ۳۴×۲۰ - ۲۷ س ۲۷×۱۵» است که نشان می‌دهد نسخه ۲۵۲ برگ در ابعاد ۲۰ در ۳۴ سانتی متر دارد. هر برگ ۲۷ سطر دارد که ابعاد متن ۱۵ در ۲۷ سانتی متر است و چنان‌که اشاره رفت، این ابعاد عموماً برای کتاب‌خانه‌های سلطنتی و درباریان توان‌گر کتابت می‌شد.

۱.۳ رسم الخط و املا: ویژگی‌ها و کاستی‌ها

کاتب نسخه خطی خوش به نستعلیق شکسته داشته است، اما این امر مانع از آن نیست تا خوانش متن، با وجود کاستی‌هایی، به آسانی به پیش رود. از کاستی‌ها و نواقص کتابت متن می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم نقطه‌گذاری برخی حروف توسط کاتب یا مشابه نوشتن «ش» و «س» و نیز در جاهایی سرکش‌نگذاشتن بر «گ» و شباهت آن با «ک» و از این قبیل دشواری‌ها که البته برخی به سبک انشای دوره موردنظر بازمی‌گردد. مهم‌ترین علامت و رمزهای کتابتی که کاتب از میان نشان‌های مخصوص کاتبان در نسخه به کار برده از این قرار است:

۱. حرف «ع»: بررسی متن نشان داد که به‌کارگیری نشان «ع» در کتابت این نسخه در هنگامی بوده که کاتب می‌خواست است تا از یک مصرع یا عبارت مشهور، هم‌چون ضرب‌المثل، در تأیید کلام خویش بهره ببرد؛

۲. واژه «صح» در بالای برخی واژه‌ها: یعنی به همین شکل درست است؛

۳. واژه «ص»: به معنای نارسایی، اشتباه، یا نادرستی واژه‌ای در سندی کتابت شده و به‌زعم کاتب است که عموماً در چنین مواردی به اصلاح نارسایی از سوی خود تمایل نداشته است؛

۴. نشان «ل» یا خط کوتاه به‌رنگ جوهر متن: بیان‌گر افتادگی یا حذف مطلبی است؛

۵. در برخی خطوط، اگر کاتب سهواً واژه‌ای را کتابت کرده، روی آن با همان جوهر سیاه خط کشیده و شکل صحیح را در بالای همان واژه آورده است.

۶. می‌توان چنین گفت که تا قرن سوم هجری در بسیاری از شناسه‌های نوشتاری کتابت برای حروف عربی نقطه‌گذاری صورت نمی‌گرفت و این امر خوانش متن را دشوار می‌کرد. برای پیش‌گیری از تحریف متن، «دانشمندان تا قرن ششم هجری بر روی حرف‌های عربی رمزهایی قرار می‌دادند تا در نسخه‌برداری آن‌ها و خواندن واژه‌ها اشتباهی روی ندهد» (فروهر ۱۳۷۹: ۱۴). «گاهی در زیر واگ "س" سه نقطه قرار می‌دادند تا با "ش" اشتباه نشود» (همان). در این نسخه، در بسیاری از برگ‌ها چنین آداب کتابتی به‌کار گرفته شده است؛
۷. نسخه در صفحات معدودی حاشیه‌نویسی دارد (برای نمونه، ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۲۵۵، ۳۳۱، ۳۹۶، ۴۴۴، و...). شواهد دلالت بر آن دارد که مُحشی (حاشیه‌نویس) همانا کاتب اصلی است و با جوهر سیاه و البته با دقت کم‌تری از کتابت متن اصلی برخی حاشیه‌نویسی‌ها را کتابت کرده است؛
۸. فن ترسل کاتب چنین بوده است که احتمال «تصحیف»^۵ را در خوانش اسناد بالا می‌برد. این امر را نمی‌توان بی‌دقتی کاتب دانست، بلکه به‌تأثیر از سبک دیوانی کاتبان درباری است. هم‌چنین، کاتب در بسیاری از صورت‌های کتابت خویش منقوب‌بودن حرف و واژه را به‌سیاق فن ترسل عصر صفوی رعایت نکرده است؛
۹. کاتب با نوع خاص کتابت خویش بارها موجب نزدیکی شکل نوشتاری برخی حرف‌ها و در برخی از بافت‌های جملات شده است. برای مثال، نزدیکی «دال» و «ذال» با «ر» یا گاه نزدیکی کتابت شکل نوشتاری «نون» و «لام» و از این دست (برای نمونه، بنگرید به همان: ۱۳، ۱۴، ۳۶، ۱۴۴، ۱۵۰، ۲۰۱)؛
۱۰. در این مجموعه، گاه شکل‌های نوشتاری غریب برای خواننده امروزی نیز راه یافته است؛ مانند نوشتن «هراه» به‌جای هرات، «بباسم الله» به‌جای «به‌بسم الله»، نوشتن «اسمعل» به‌جای «اسمعیل»، «همیون» به‌جای «همایون»، و از این دست (همان: ۵۵). هم‌چنین، باید اشاره کرد به سرهم‌نویسی برخی واژگان که در این کتابت به جدانویسی شهره‌ترند؛
۱۱. به‌جای «ی» کلمات مختوم به «ی» همه‌جا از همزه استفاده شده است؛ مانند حذف «ی» در «دریای» و آوردن همزه به‌جای آن «دریاء» (سراسر نسخه)؛
۱۲. نشانه‌گذاری، به‌جز جداکردن مصرع‌ها و بیت‌های اشعار از هم با سه نقطه قرمز، در نسخه راه نیافته است.

۴. نگاهی به محتوای تاریخی اثر و ضرورت توجه به آن

اسناد منتشرنشده این نسخه راه‌نمای خوبی برای فهم سیر تحول منشآت‌نویسی، آداب دبیری، شناخت جنبه‌های مختلف تاریخی و روابط سیاسی دولت‌های حاکم بر ایران با همسایگان خود، بررسی روابط رجال و شخصیت‌ها، و... است.

در کتاب‌هایی که در روزگار معاصر با تمرکز بر اسناد تاریخی نوشته شده‌اند، جای اسناد تاریخی این مجموعه منشآت‌ی خالی است و بدون توجه به این اسناد و مکاتبات تاریخی فهم کامل روابط بین‌المللی، سیر تاریخی وقایع، و کنش‌های تاریخی انجام‌یافته کاستی خواهد داشت. هم‌چنین، بسیاری از مکاتبات و اسناد این مجموعه یاری‌گر کاستی‌های تدوین تاریخ اجتماعی ایران، به‌ویژه در بازه زمانی این پژوهش، خواهند بود. برای نمونه، می‌توان اسناد دوره صفوی را که در این نسخه فراهم آمده است پیش چشم داشت. روابط سیاسی صفویان با دولی چون عثمانی، ازبکان، و ملوک هند اهمیت زیادی دارند و در مقالات پژوهش‌گران این حوزه، کم‌تر به مکتوباتی از چنین نسخ خطی بررسی‌نشده اشاره رفته و پژوهش در روابط سیاسی ذکرشده با رجوع به این دست‌سندها نیازمند دوباره‌نویسی و بازنگری است. باین‌وصف، نقد، بررسی، و شناساندن این نسخه به جامعه تاریخ ضروری است.

۵. نقد بینش و روش کاتب

این‌که چه نسبتی میان ساختار متن از نظر تقدم و تأخر تاریخی، موضوعی، و محتوایی مکتوبات با توجه به عدم رعایت توالی تاریخی در کتابت منشآت صادق‌ای تبریزی، با هدف، انگیزه، و رویکرد کاتب وجود دارد، موجب طرح فرضیاتی براساس محتوای اثر و نیز زمانه زیست کاتب شد.

باتوجه به این‌که پیش‌تر و در بخش نقد ساختاری اثر به آن اشاره شد، نظم تاریخی یا موضوعی، تقدم، و تأخر در فهرست منشآت مدنظر به‌لحاظ تاریخی رعایت نشده است، نخستین فرضیه مطرح‌شده بر این شواهد استوار بود که هدف اصلی کاتب ارائه مکتوباتی گزینشی از دوره صفویه و گردآوری مجموعه‌ای از دست‌ورالعمل‌های حرفه‌ای برای منشیان و کاتبان دیوان است و در فهرست‌بندی این نسخه تأکید بر فن‌ترسل، آموزه‌های منبعث از احادیث و باورهای اسلامی، به‌ویژه کلام شیعه، و البته محتوای غیرسیاسی آن^۶ مقصود بوده است.

برای پاسخ به این فرضیه پژوهش که کاتب تأکیدی بر آموزه‌های شیعی داشته است، کثرت آیات، احادیث، اشعار، و عبارات ادبی به‌کاررفته توسط صادق‌الکبری که شیعه‌بودن وی از اشارات او در اسناد و انتخاب آن‌ها پیداست، مؤید این رویکرد به‌عنوان یکی از نیات کاتب در تدوین اثر است. از تعداد ۱۱۴ سوره‌قرآن، آیاتی از ۸۳ سوره گزینش شده در محتوای این منشآت توسط کاتب آورده شده است. برطبق شمارش تمامی آیات متن نسخه، بیش‌ترین فراوانی آیات مربوط به سوره مبارکه بقره با ۴۴ آیه، بعدازآن آل‌عمران با بیست و سه انعام با هجده آیه است. در مجموع، ۴۶۰ آیه بدون تکرار استفاده شده است و بیش‌ترین تکرار آیه مربوط به آیه ۲۶ سوره مبارکه آل‌عمران است. به‌کارگیری آیات سوره‌های یادشده در بخش‌هایی از کتابت آمده‌اند که به توصیه‌ها و آموزه‌های اخلاقی قرآنی درباب سجایای اخلاقی مؤمنان اشاره می‌شود.

درباب احادیث، پرتکرارترین حدیث مربوط به حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک» با پنج بار کتابت است که حدیث یادشده از احادیث بسیار موردتوجه شیعیان است. بیش‌ترین احادیث استفاده‌شده در متن از حضرت رسول (ص) با ۵۵ حدیث و فراوانی احادیث دیگر مربوط به امام علی (ع) با یازده حدیث، امام صادق (ع) با پنج حدیث، امام محمدباقر (ع) با یک حدیث، و البته آوردن سه حدیث قدسی دیگر است.

کاتب، باوجود ارادت به اهل‌بیت (ع) و آیین اسلام، چندان بر تعصب معمول روزگار صفوی پای نمی‌فشرد و برای نمونه در نامه‌ای، با عنوان «سواد مکتوب علمای ماوراءالنهر به علمای مشهد مقدس» (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۲۳۴)، ایرادات علمای اهل سنت ماوراءالنهر را بر نظریات روحانیون شهر مشهد و مذهب شیعه کتابت می‌کند و دخل و تصرفی در فحوای نامه روا نمی‌بیند، هرچند از پی آن پاسخی مفصل از علمای شیعه را به همان مکتوب می‌آورد (همان: ۲۳۶). تفصیل نامه مذکور که از سوی مولانا محمد رستم‌داری (مشکک) تهیه شده و با هدف نشان‌دادن دست‌پُرتر علمای شیعه در مباحثه و استدلال بر علمای اهل تسنن ماوراءالنهر کتابت شده است، نشان از باور و علاقه درونی، نه تعصب او، به تشیع است. کتابت چنین نامه‌ای در روزگار صفوی در مجموعه منشآت دیوانی و از سوی کاتبی درباری نشان از آن دارد که کاتب، به‌رغم شیعه‌بودن، از تعصب معمول زمانه به‌دور است و افزون‌برآن، اهل‌بیت است و از سوی حکام و اهل‌دربار تهدیدی را متوجه خویش نمی‌بیند. این معنی باز هم درجهت شناخت بینش کاتب مهم است (برای آگاهی بیش‌تر درمورد جوانب کلی این بحث و مکاتبه مهم، بنگرید به امیرخانی ۱۳۹۰: ۴۴).

درباب پاسخ به پرسش دیگر این نقد، مبنی بر چرایی رعایت نکردن ساختار موضوعی، باید اشاره کرد که مجموعه‌های منشآت معروف تاریخ ایران هم چون *التوسل الی التوسل* یا *دستورالکتاب*، و... عموماً تألیفی از کاتب همان مجموعه‌اند، اما کتابت نسخه حاضر این تفاوت را با مجموعه‌های پیشین دارد که اسناد نسخه تألیف نیستند، بلکه با هدفی خاص گردآوری و کتابت مجدد شده‌اند.

توضیح آن‌که، باتوجه به دانش و جایگاه ممتاز صادق‌ای تبریزی در عصر صفوی و نقد و بررسی محتوای اسناد گزینش شده به منظور کتابت، فرضیه دیگری نیز در بینش و روش کاتب مورد توجه قرار گرفت و برای آن شواهد نیرومند یافت شد: صادق‌ای تبریزی، باتوجه به زمانه زیست خویش که در نیمه اول روزگار صفوی است و اهداف سرزمینی دولت صفوی پس از برپایی آن توسط شاه اسماعیل یکم هم‌چنان زنده بود، گستره سرزمینی قلمرو ساسانی را، که بعدها توسط سلجوقیان و البته ایلخانان از جیحون تا فرات پی گرفته شد (بنگرید به اکبری ۱۳۸۸: ۷) و سپس صفویان داعیه آن را داشتند، الگوی چینش اسناد نسخه خویش قرار داده است.

سلجوقیان، که قلمرو موضوعی اسناد نسخه از دوره آن‌ها و با دو نامه از آلبارسلان گزینش و آغاز می‌شود، از نظر قلمرو و گستره مرزهای حکومتی، الگوی دوره ساسانی را مورد نظر داشتند (خسروبیگی ۱۳۹۵: ۳۲۱). این مرزها از کاشغر تا سواحل مدیترانه و از سواحل دریای عمان تا قفقاز گسترانیده بود (تکمیل همایون ۱۳۷۹: ۶۷). در دوره صفویه و از پی حاصل شدن وحدت سرزمینی، مجدداً و براساس همان الگوی تاریخی «رود جیحون مرز شمال شرقی ایران و قندهار و کلات مرز شرقی و داغستان و گرجستان و شروان مرزهای شمال غربی و در جنوب نیز چون گذشته سواحل و جزایر دریای عمان و خلیج فارس نقش همیشگی خود را برعهده گرفتند» (خسروبیگی ۱۳۹۵: ۳۲۲).

چنین رویکردی را می‌توان در یکی دیگر از آثار مهم دوره صفوی، یعنی *شاه اسماعیل نامه*، دید. قاسمی حسینی گنابادی، خالق این اثر منظوم، با رویکردی هم‌دلانه، براساس تأثیر بینش سیاسی خاصی که در زمانه او رایج بوده است و مبتنی بر برجسته‌سازی وجه آرمانی اقدامات شاه اسماعیل یکم است، بدون پرداختن به ضعف‌های قهرمان اثر خویش به تمجید اقدامات ممدوح خود، یعنی شاه اسماعیل اول، می‌پردازد (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به فراهانی ۱۳۸۷: ۹۶). در این متن حماسی، باز هم قلمرو مورد ادعای صفویه، که پیش‌تر از آن یاد شد، جایگاه خاصی دارد. در اندیشه گنابادی، مقصود از «جهان» همان جهان مورد اشاره اساطیر

ایرانی است؛ یعنی «ممالک ایران و توران» (قاسمی حسینی ۱۳۸۷: ۱۸۳). هم‌چنین، در شعر وی، شاه‌اسماعیل یکم فرمان «به ضبط سمرقند و توران‌زمین» داده است (همان: ۳۳۱) و این ادعا و فرمان به تمامی مورد تأیید و ستایش نزدیکان و درباریان شاه‌اسماعیل قرار گرفته است (همان: ۳۱۷).

نیمه‌کاره ماندن بخشی از برخی اسناد با چنین مضامینی در نسخه این فرضیه را تقویت می‌کند که کاتب منتظر می‌مانده است تا به اسناد یا مکتوباتی در جهت اهداف خویش دست‌رسی پیدا کند، سپس آن‌ها را به متن بیفزاید، و گاه بدان توفیق نیافته است. این روش کتابت بر بینه راهی در جهت پی‌بردن به کنه ذهن کاتب در الگوی گردآوری این مجموعه منشآت مبتنی است.

در این نسخه، به‌عمد و با گزینش کاتب مکتوبات سلاطین ترک‌زبان به زبان فارسی کتابت و گردآوری شده و محتوای مکتوبات با استعاره از اشعار شعرای ایرانی تدوین یافته است و همین نشان دیگری در تقویت فرضیه طرح‌شده است.^۷ توجه به این معنی نیز راه‌گشاست که کاتب سپس به سراغ مکتوبات خواجه نصیرالدین، وزیر شیعی هولاکو، می‌رود (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۲۴۱، ۲۴۲) و از دوره مورد اشاره مکتوبی از وزیری دیگر را گزینش نمی‌کند. برای بررسی موردی می‌توان دو نمونه پیش‌رو را مثال زد. در نامه‌ای تحت عنوان «سواد منشور تکش خوارزمشاه به افضی القضاة خویش» (همان: ۱۲۴) که گزینشی است از کتاب *التوسل الی الترسل* بهاء‌الدین بغدادی، حذف نام صدرالدین در متن نسخه و نیز پاره‌ای اختلافات دیگر هم‌چون حذف برخی وظایف افضی القضاة (برای آگاهی بیش‌تر در مورد این منصب و کارکرد آن، بنگرید به خسروبیگی و بکائیان ۱۳۹۴: ۶۱) مانند حراست از اخبار و آثار صحابه که در *التوسل* آمده توسط این کاتب شیعه‌مذهب روزگار صفوی نشان قوت فرضیه‌ای است که درباب بینه او طرح شده است. نمونه دیگر، در نامه‌ای تحت عنوان «منشور آلبارسلان به یکی از فرزندان خود» (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۱۱۹) که باز هم گزینشی از کتاب *التوسل الی الترسل* است و در بخش‌هایی خاص شاهد اختلافات با متن *التوسل الی الترسل* هستیم. توضیح آن‌که، در میانه این نامه و در *التوسل*، پاراگرافی در مدح صوفیان آمده (بنگرید به بهالدین بغدادی ۱۳۸۵: ۱۹) و از آن‌ها با تعبیر «اوتاد زمین» یاد شده است، اما در کتابت صادقای تبریزی این بخش از مکتوب را نمی‌بینیم. از آن‌رو که کتابت این مجموعه توسط تبریزی در هنگامه حذف جایگاه قزلباشان و کم‌انگاری صوفیان به‌انجام رسیده است و به‌نظر می‌رسد این پاراگراف به‌عمد توسط کاتب

حذف شده است؛ یعنی بازهم تأثیر روزگار و زمانه کاتب بر بینش و عملکرد سیاسی او را شاهدیم. از سویی، در بخش تهنیت‌نامه‌های نسخه (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۳۴۳)، چند مورد از تهنیت‌نامه‌هایی در پیوند با اعیاد غدیر و نوروز آورده شده که ناگفته پیداست این اعیاد در پیوند با آیین‌های ایرانی و شیعی است. بدین منظور، از مجموع ۳۶ مورد تهنیت‌نامه که گاه مضامین اجتماعی هم‌چون تولد فرزند و... دارند، بیست مکتوب در پیوند با اعیاد یاد شده است. این معانی به‌نوعی نشان‌دهنده بینشی از کاتب است که در طرح کلان خود به کوشش‌های صفویه در جهت احیای مرزهای تاریخی توجه دارد و در ادامه همان رویکرد پیشین در جهت احیای هویت ایرانی است.

در منشآت صادقای تبریزی هم‌چنین، تحول معنی «دولت» از اسناد سلجوقی در نامه‌های صفویه را شاهدیم. برای بررسی موردی می‌توان معنی «دولت» را در نامه‌ای از آلبارسلان مورد توجه قرار داد. در این سند که در واقع منشور بخشش خوارزم به یکی از فرزندان آلبارسلان است (همان: ۱۲۷)، دولت در همه‌جا به معنای مکتب و بهره‌مندی به‌کار رفته است (برای نمونه، همان: ۱۲۷-۱۲۸)،^۸ اما در نامه‌های صفوی نسخه و به‌ویژه اسناد مرتبط با شاه‌عباس اول تحول معنایی دولت به سوی مفهوم سیاسی می‌رود و به «مصلح دولت» و «منافع دولت» تبدیل می‌شود. برای نمونه، می‌توان نامه شاه‌عباس به سلطان محمد عثمانی را مثال زد که در تهنیت جلوس وی ارسال شده است (همان: ۲۳). در این نامه مفهوم دولت با تعبیری هم‌چون «دولت قاهره» (همان)، «دولت فاتح» (همان: ۲۵)، و «ارکان دولت» (همان: ۲۶) هم‌راه است.

در این نسخه، با ۸۵ مورد اشاره به نام «ایران» در نامه‌های شاه‌عباس یکم و شاه‌طهماسب و دیگر مکاتبات دیوانیان عصر صفویه روبه‌رویم (همان: ۳۱۳، ۳۵۱، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۰ در نسخه؛ و جاهای دیگر). مفهوم ایران در این نامه‌ها همگی مفهومی سیاسی است. این یافته در جهت تقویت نظریات پژوهش‌گرانی چون گرادو نیولی است که در کتاب *ایده/ایران* بر تغییر مفهوم «ایران» از معنایی بیش‌تر قومی-مذهبی-سیاسی، از عصر ساسانی به بعد، به سوی مفهوم سیاسی، تا بیش‌ترین حد خود، در دوره صفویه دفاع می‌کنند و در این میان شواهد ارزنده‌ای را به دست می‌دهند (بنگرید به نیولی ۱۳۸۷: ۱۴).

اسکندر بیگ منشی، مورخ دوره صفویه، در کتاب خویش به این نیت اشاره دارد که نگارش تاریخ «ایرانیان» را در نظر داشته است (اسکندر بیگ منشی ۱۳۸۱: ج ۱: ۳۰۸) و نشانه‌ای مهم در همین جهت است، چراکه در نامه‌های صفوی این نسخه کلمه «ایران» و

ترکیباتی چون «تخت ایران» (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۳۵۱)، «ملک ایران» (همان)، «ممالک ایران» (همان: ۳۵۲)، «دیار ایران» (همان: ۷۱)، «سلطنت ایران» (همان: ۱۴۳)، «مردم ایران» (همان: ۲۰۰)، و مانند این‌ها بارها تکرار شده است. تمامی اسنادی هم که چنین واژه‌ها و ترکیباتی در آن‌ها به کار رفته است مکاتبات دیوانی و سلطنتی خطاب به دولی چون ازبکان و عثمانی هستند.^۹ در نسخه، ۵۵ مورد تکرار القابی را داریم که ریشه در حکومت‌های ایران باستان دارند: مانند «فرخنده‌کی»، «جمشید جم»، «کی خسرو»، «شاه جمشیدسریر»، «خسرو دادگر»، «خاقان جم‌جاه»، و از این دست (به ترتیب، ناظم تبریزی ۱۰۰۹: سند ۶۵، ۶۸، ۸۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۵، و موارد دیگر). این دست اشارات در اسناد گردآوری شده در این نسخه بر پایه اهداف نخستین فرمان‌روایان صفویه تبیین می‌شوند که بر پیوند با روح باستانی پادشاهی ایران کوششی آگاهانه داشتند، زیرا تداوم عنوان «شاهنشاه ایران» برای حکم‌رانان صفوی پایه‌های آگاهی تاریخی را تقویت می‌کرد و با وجود دشمن نواحی شرقی (ازبکان) و نواحی غربی (عثمانی) ضرورت توجه به حماسه‌های ملی را در ایران افزایش می‌داد و از این ره‌گذر ملیت ایرانی را هویتی مستقل می‌بخشید (برای آگاهی بیش‌تر در این زمینه، بنگرید به سرافرازی و موحد ۱۳۹۲: ۱۲۵).

صفویان بارها در مجادلات سیاسی خویش و نیز مناقشات مرزی با عثمانی و ازبکان دست بر دعاوی‌ای می‌گذاشتند که آگاهانه از ایران باستان سرچشمه داشته است. پژوهشی از برت فراگنر (Fragner 1989) تأکید ویژه صفویه را بر واژه ایران و کاربست آن در مناسبات سیاست خارجه این دولت به‌روشنی نشان داده است. هم‌چنین، اندرو نیومن با وجود دیدگاه‌های متفاوت خود به دیگر صفوی‌پژوهان غربی اشاره دارد که شاه‌اسماعیل یکم در اندیشه بازآفرینی قلمرو سرزمین کهن ایرانیان بوده است (نیومن ۱۳۹۳: ۲۹). در این‌جا، این اشاره ضرورت دارد که مرزهای ایران در دوره باستان در پیوستگی با فلات ایران و مفهوم «ایران‌شهر» ساسانی دیده می‌شد (کریستنسن ۱۳۶۸: ۵۰۶-۵۱۸) و همین معنی در کتب جغرافیایی دوره صفوی نمود دارد (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به مستوفی بافقی: ۱۳۹۰). صورت دیگری از همین مفهوم اشاره‌ای به رفتار قزلباشان در هنگامه نبرد با عثمانی‌هاست که، با وجود آگاهی و علاقه به تبار ترکی خویش، خود را «ایرانی» می‌دانستند و از «ایرانیت» نیرو می‌گرفتند (سیوری ۱۳۸۰: ۱۷۶).

فزون‌ی کاربرد کلمه ایران در منابع عصر صفوی^{۱۰} (برخلاف دوره سلجوقی)، که موردتوجه پژوهش‌گران قرار گرفته است (بنگرید به اشرف ۱۳۹۵: ۱۷۵) و آرمان نیرومند

صفویان در ایجاد موجودیت مستقلی برای ایران از ره‌گذر تثبیت مذهب رسمی و توجه به مرزهای سیاسی بوده است، در منشآت صادق‌تبریزی از راه گردآوری اسنادی خاص قابل‌پی‌جویی است و اکنون می‌توان دریافت که کاتب دست بر کتابت اسنادی یازیده است که در ترسیم جغرافیای مطلوب صفویان و نیز ایران فرهنگی اهمیت داشته‌اند و به‌نوعی این مجموعه بر دعاوی هویتی صفویه صحنه گذارده است.

۶. نتیجه‌گیری

می‌توان آرمان صفویه در ساختن دولتی مستقل را، با بهره‌گیری از خاطره‌های تاریخی در بازآفرینی قلمرو سرزمینی ایران، در پیش و روش میرزا محمدصادق ناظم تبریزی، کاتب منشآت صادق‌تبریزی، متبلور یافت. چنین یافته‌ها و نتایج در تضاد با دیدگاه‌های پژوهش‌گرانی است که در نظریات و مقالات خویش نوعی ناسیونالیسم برساخته در دوره معاصر را برای ایران مطرح می‌کنند و به تأثیر تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه و منبعث از دیدگاه‌های شرق‌شناسان غربی در ترسیم هویت ملی نوین ایران معتقدند. تحلیل پیش و روش در منشآت صادق‌تبریزی می‌تواند چنین ادعاهایی را با چالش روبه‌رو کند.

پیوست‌ها

۱. جدول تفکیکی اسناد

تعداد	سلسله و دوره تاریخی	تعداد	نوع سند
۹	سلجوقی	۲۷	منشور
۱	غوری	۱	منال
۵	سلجوقیان روم	۴	حکم
۲۴	تیموری	۱۳	پروانچه و نشان
۶	مغول و ایلخانی	۱۳	تعزیت‌نامه
۵	جلایی	۲	سفارش‌نامه
۵	خانان محلی تا آغاز صفوی	۵۵	تهنیت‌نامه
۱۰	خوارزمشاهی	۴۶	مکاتبات مقامات
۲۷	حکام گیلان	۱	فرمان

نوع سند	تعداد	سلسله و دوره تاریخی	تعداد
عهدنامه	۱۱	قراقویونلو	۶
فتح‌نامه	۱۹	نظامشاهیان	۱
مکاتبات خانواده سلطنتی	۱	صفوی	۹۶
مکاتبات غیررسمی	۸۰	تیموریان هند	۴
فریادنامه	۱	عثمانی	۱
اخوانیات	۲۷	باقی اسناد بی تاریخ‌اند.	
عذرنامه	۲		
شکایت‌نامه	۱		
سلطانیات	۱۴		

پی‌نوشت‌ها

- دانش‌پژوه در جای دیگری نیز همین نظر را تکرار می‌کند و می‌نویسد: «این منشآت [...] تحریری است از مجمع‌الانیشا [...] و عبدالوهاب کاتب این مقالات را [...] نوشته است»، که پیداست هم در یکی‌بودن این دو نسخه اشتباه کرده و هم نام کاتب را به‌خطا ضبط کرده است (بنگرید به دانش‌پژوه ۱۳۵۰: ۶۳).
- پیوست ۱، جدول تفکیکی اسناد نسخه.
- موسوم به نسخه ۲۱-ب، کتاب‌خانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- در نامه‌ای تحت عنوان «مکتوبی در تهنیت عید مبارک رمضان» می‌توان چنین اشاره‌ای یافت. کاتب در این سند به خویش با لقب «این صادق‌الوداد» اشاره‌ای موجد دارد (بنگرید به ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۳۴۷).
- احتمال جابه‌جایی و تغییر کلمات به‌علت جابه‌جایی نقطه‌ها.
- در بخش انتهایی این نسخه و از برگ ۳۹۲ به بعد مکتوباتی در معرفی مشاغل، اصناف، و حرف و نیز نمونه‌هایی از تهنیت‌نامه‌ها و تعزیت‌نامه‌ها در موضوعات مختلف آورده شده است.
- در این نسخه، در چهار نامه از شاه‌طهماسب، هشت نامه از شاه‌عباس، و یازده نامه متفرقه دیگر از عهد صفوی خطاب به مخاطبان عثمانی اشعار حماسی شعرای ایرانی آمده است.
- برای نمونه و درک معنای «دولت» در اسناد سلجوقی، در همین نامه می‌خوانیم: «بدین سعادت و "دولت" که ایشان را دست داد، سجده شکر ربانی بیارند...». آشکارا، دولت در این جا به معنای کامروایی به‌کار رفته است (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۱۲۹).

۹. برای نمونه، بنگرید به مکتوبی با عنوان «منشور نواب گیتی‌ستان به سلطان‌مراد عثمانی» که از سوی شاه‌عباس است (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۴۴) یا نامه‌ای با عنوان «سواد منشور شاه‌طهماسب در جواب محمد‌همایون‌شاه» (ناظم تبریزی ۱۰۰۹: ۱۰۹) و از این دست.
۱۰. هم‌چون حبیب‌السیر، عالم‌آرای شاه‌اسماعیل، عالم‌آرای شاه‌طهماسب، و...

کتاب‌نامه

- اسکندریبگ منشی (۱۳۸۱)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران: امیرکبیر.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵)، هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی، ترجمه حمید احمدی، تهران: نی.
- افکاری، فریبا (۱۳۸۶)، «منابع کهن نسخه‌پردازی (دانش‌نامه فارسی)»، نامه بهارستان، ش ۱۱ و ۱۲.
- اکبری، امیر (۱۳۸۸)، «مقایسه حدود قلمرو سلجوقیان با ساسانیان و تشابه ساختار نظامی آن‌ها»، فصل‌نامه تاریخ، پیاپی ۱۲.
- امیرخانی، غلام‌رضا (۱۳۹۰)، «مکاتبات سیاسی و داعیه‌های مذهبی: بررسی نقش مذهب در روابط ایران و ماوراءالنهر در قرن ده و یازده قمری»، گنجینه اسناد، دوره ۲۱، ش ۲.
- برگشتراسر، گوتهلف و عبدالسلام هارون (۱۳۷۰)، روش تحقیق انتقادی متون، ترجمه جمال‌الدین شیرازیان، تهران: لک‌لک.
- بهاء‌الدین بغدادی، محمدبن مؤید (۱۳۸۵)، التوسل الی التوسل، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
- بهرام‌نژاد، محسن (۱۳۸۶)، منشآت میرمحمدحسین تفرشی: کندوکاوی در زندگانی فرهنگی و دیوانی او، آیین میراث، س ۶، ش ۴.
- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۷۹)، گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران‌زمین، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ثروت، منصور (۱۳۷۹)، روش تصحیح انتقادی متون، تهران: پایا.
- جهان‌شاهی‌افشار، علی و خدیجه رحیمی صادق (۱۳۹۳)، «عناصر هویت ایرانی در دیوان امیرعلیشیر نوایی»، مجله مطالعات ایرانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱۳، ش ۲۵.
- خسروبیگی، هوشنگ (۱۳۹۵)، «بازتعریف مفهوم مرزهای ایران، مبتنی بر آثار ناصر تکمیل‌همایون»، در: همایون‌نامه؛ نکوداشت کارنامه علمی دکتر ناصر تکمیل‌همایون، تهران: نگارستان اندیشه.
- خسروبیگی، هوشنگ و هادی بکائیان (۱۳۹۴)، «منصب قاضی در ایالات عصر سلجوقی»، پژوهش‌نامه مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۶، ش ۲۴.

- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۰)، «یک پرده از زندگی شاه‌طهماسب»، *جستارهای ادبی*، ش ۲۸.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۵۱)، «آیین شاه‌طهماسب»، *بررسی‌های تاریخی*، س ۷، ش ۱.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- سرافرازی، عباس و سارا سرحدی (۱۳۹۲)، «صفویه و احیای سنت‌های ملی و باستانی»، *پژوهش در تاریخ*، ش ۴.
- سیوری، راجرز (۱۳۸۰)، *درباب صفویان*، تهران: مرکز.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۵)، *مقدمه بر: دستورالملوک*، محمدرفع‌بن حسن (میرزا رفیعا)، به کوشش اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: مرکز اسناد وزارت امور خارجه.
- عارفی، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی جایگاه منشآت و منشآت‌نویسی در ایران تا پایان قرن هشتم هجری»، *فصل‌نامه تاریخ نو*، ش ۱۲.
- غفاری فرد، عباس‌قلی و عبدالحسین نوایی (۱۳۸۱)، *تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران: سمت.
- فراهانی، رقیه (۱۳۸۸)، «اسماعیل‌نامه؛ شعر و تاریخ»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، پیاپی ۱۴۲.
- فروهر، نصرت‌الله (۱۳۷۹)، «روش تصحیح نسخه‌های خطی»، *کیهان فرهنگی*، س ۱۷، پیاپی ۱۶۵.
- قاسمی حسینی گنابادی، محمدقاسم (۱۳۸۷)، *شاه‌اسماعیل‌نامه*، به تصحیح جعفر شجاع‌کیهانی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۳۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۸۰)، *شهرآشوب در شعر فارسی*، تهران: روایت.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مجرد، مجتبی (۱۳۹۶)، *سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام*، تهران: هرمس.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۹۰)، *مختصر مفید: جغرافیای ایران زمین در عصر صفوی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- منشآت سلیمانی (۱۳۸۸)، به کتابت دبیران دبیرخانه شاه‌سلیمان صفوی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ناظم تبریزی، محمدصادق (۱۰۰۹ق)، *منشآت صادقای تبریزی (نسخه خطی)*، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ناظم تبریزی، محمدصادق (۱۳۸۸)، *نظم‌گزیده*، مقدمه و تصحیح آذرمیدخت صفوی، هندوستان: دی-آر-ایس.

نقد و تحلیل ساختاری نسخه خطی ... (رضا شاه‌ملکی و دیگران) ۱۷۷

نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸)، *تذکره نصرآبادی*، به‌کوشش احمد مدقق یزدی، یزد: دانشگاه یزد.
نیولی، گرادو (۱۳۸۷)، *آرمان ایران (ایده ایران)*؛ جستاری در خاستگاه نام ایران، ترجمه سیدمنصور
سیدسجادی، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری پیشین‌پژوه.
نیومن، اندرو جی. (۱۳۹۳)، *ایران صفوی: نوزایی امپراتوری ایران*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: بنگاه
ترجمه و نشر کتاب پارسه.

Fragner, Bert. G. (1989), *Historische Wurzeln Neuzeitlicher Iranischer Identität: zur Geschichte des Politischen Begriffs "Iran" im Späten Mittelalter und in der Frühen Neuzeit*.

